

امیدوارم سال‌های دراز تندرست و کوشا باشید. اما وظیفه‌ی خود می‌دانم که نظر خودم را در مورد این نامه، جسارتاً و با کمال صراحت، بیان کنم.

۱ - نامه را دقیقاً برابر با متنی که نوشته‌اید ترجمه کردم و برای اطمینان به تایید فرد انگلیسی‌زبانی که آشنایی با شما ندارد رساندم. بعضی از واژه‌های آن را تغییر داد و رساتر شد. بنابراین می‌توانید به درستی آن یقین کنید.

۲ - این نامه وظایف بسیار سنگین، ولی ناشناخته و تعریف نشده، به‌عهده‌ی فرزندان می‌گذارد.

۳ - دسترسی به حساب و اعتبارات بانکی، در غیاب صاحب حساب، قانوناً ممنوع و ناممکن است. در این باره باید چاره‌ی دیگری اندیشیده شود.

۴ - بیشتر وظایفی که به‌عهده‌ی فرزندان گذاشته‌اید در تندرستی و کوشایی خودتان قابل اجرا است. می‌دانم که گرفتاری‌های بسیار، و مهم‌تر از همه بیماری همسر گرامی، آرامش فکری شما را مختل ساخته است. در این باره همدردی خودم را صمیمانه ابراز می‌دارم. با این وجود می‌گویم اگر می‌خواهید کاری انجام بشود تا خودتان سر پا و سالم هستید انجام دهید. این را در توان شما می‌دانم و از همت شما انتظار دارم که تنها هفته‌ای چند ساعت به این کار پردازید و آن را در بالای برنامه‌های روزانه خود قرار دهید.

۵ - ترجمه‌ی شعر شاعران آذری اگر آماده است چرا اقدام به چاپ نمی‌کنید؟ در این صورت چگونه انتظار دارید فرزندان در غیاب شما انجام بدهند؟

۶ - هیچ کس حق ندارد بدون حضور و موافقت شما رساله‌ی ملک‌الشعراى بهار و رساله‌ی شعر نو را ویراستاری کند. با جسارت می‌گویم و پای گفته‌ام ایستاده‌ام که نباید آن را سرسری گرفت. هیچ کس جز خودتان قادر به انجام آن نیست. خبر نداشتم که این رساله را به‌ایران فرستاده‌اید. آیا بازگرداندن آن مقدور نیست؟

۷ - در این نامه اشاره به سیمای شیرین در داستان خسرو و شیرین نظامی، نیمایوشیج، پدر شعر نو، و همچنین عارف قزوینی، شعر و موسیقی مبارزش نشده است. این آثار در کجا قرار دارند. آیا امکان بازبینی آن‌ها وجود ندارد؟

۸ - به‌طور کلی موضوع آثار منتشر نشده بحث انگیز شده است. باید مشخص بشود که آیا آماده‌ی انتشار هست یا خیر. سبب تاخیر انتشار آن‌ها چیست؟ این‌ها پرسش‌هایی است که هم اکنون هم مطرح است. و باید حتماً در یکی از انتشارات بعدی توضیح داده شود.

۹ - از همه مهم‌تر این که تا خودتان به‌سلامتی حضور دارید باید با جدیت دست به کار تنظیم برگزیده‌ی آثار و اشعار بشوید. هیچ معلوم نیست کسانی را که نام برده‌اید، هر قدر هم که فداکار و فعال باشند، پس از شما زنده بمانند و یا بتوانند از عهده‌ی این کار‌ها برآیند.

۱۰ - شادروان دهخدا، برای انجام کار بزرگی که آغاز کرده بود شادروان محمد معین را برگزید. این گزینش بسیار درستی بود. اما محمد معین مدت کوتاهی پس از مرگ دهخدا بیمار شد و نتوانست حتی چند صفحه از فرهنگ دهخدا را بخواند. اگر قانون به کمک نمی‌آمد اثری از فرهنگ دهخدا نبود. بگذریم از این که اکنون

دکان خوبی برای دیگران شده است و مانع چاپ و انتشار، حتا نسخه های الکترونیکی کامپیوتری، هستند. نمونه ی دیگر شادروان زرکوب است که چون سه نفر را برگزید، با وجود فعالیت شدید آقای ناهیده، هنوز کار مهمی انجام نشده است. گرد آمدن این افراد در زمان و مکان معین گاهی ناممکن است.

۱۱- بنا براین اگر می خواهید کاری انجام بشود، خودتان دست به کار انجام آن بشوید، دیگران هم، از جمله من، کمک و همکاری خواهند کرد. در غیر این صورت یقین بدانید که هرگز انجام نخواهد شد.

۱۲- یقین دارم که تصدیق می کنید که من همیشه آماده ی انجام سریع کارهای شما بوده و هستم. چرا از این فرصت به درستی استفاده نمی کنید؟ یک یا دو بار در هفته تعیین وقت کنید که به اتفاق این کارها را سر و سامان بدهیم. وجود شما گرامی است و همهی دوستان آماده همکاری هستند.

با پوزش از جسارت و با امید تندرستی شما اسماعیل ضیاء